



## ترویج جهادی، مناسب ترین راهکار جهت توسعه کشاورزی کشور

دکتر اسماعیل شهبازی پدر علم ترویج کشاورزی ایران، دوم اردیبهشت ماه ۱۳۱۵ در خانواده ای متوسط و کشاورز در نهاوند متولد شد. دکتر شهبازی تحصیلات ابتدایی تا دبیرستان در نهاوند طی نموده و سپس در سال ۱۳۳۳ برای ادامه تحصیل در رشته کشاورزی جذب دانشسرای مامازن از توابع ورامین شده است.

دوران تحصیل در دانشسرای کشاورزی موجب شده تا با بسیاری از مسائل کشاورزی در ایران آشنا شود و سرآغازی برای ورود او به مسائل ترویج در روستاها باشد. پس از اتمام دوره دانشسرا بورسیه سازمان ترویج کشاورزی می شود و با پایان اتمام دوره کارورزی بعنوان مروج کشاورزی به روانسر مامور می شود. پس از گرفتن دیپلم کشاورزی از دانشسرای کشاورزی مامازن ورامین در سال ۱۳۳۵، فوق دیپلم فنی ترویج کشاورزی را در شهریور ۱۳۳۹ از دانشگاه آمریکایی بیروت کسب کرده و سپس سالها بعد همین دانشگاه تا شهریور ماه ۱۳۵۰ در رشته های لیسانس مهندسی کشاورزی و فوق لیسانس ترویج دانش آموخته شده و در دانشگاه شیراز استخدام می شود. تدریس در دانشگاه های چون همدان، ارومیه و تهران از جمله فعالیت های دکتر شهبازی هستند. ایشان در سال ۱۳۵۷ موفق به اخذ مدرک دکتری از دانشگاه ملی پلی تکنیک تولوز فرانسه می شود. با پیروزی انقلاب اسلامی در زمان وزارت دکتر مجتهدی، شش ماه مدیرکل سازمان ترویج می شود. تحقیق و تدریس در دانشگاه ها بخشی از فعالیت های دکتر شهبازی را بعد از انقلاب تشکیل می دهند. ایشان در سال ۱۳۷۵ بازنشسته شده و انتشار ۱۴ کتاب تألیفی و ۴ کتاب ترجمه که همه در جهت ترویج کشاورزی و خدمت به توسعه روستاها بوده است جزو افتخارات علمی ایشان محسوب می شود. معاونت دفتر تمرکز تحقیقات وزارت کشاورزی، مدیرکل سازمان ترویج کشاورزی ایران در سال ۵۸، رییس سازمان آموزش کشاورزی در سال ۶۳، تدریس در دانشگاه های چون همدان، ارومیه و تهران و عضویت در هیأت علمی آموزش ترویج و توسعه سازمان تحقیقات، آموزش و ترویج کشاورزی (تات) بخشی از فعالیت های علمی و اجرایی این استاد گرانقدر علم ترویج کشاورزی می باشد. آنچه پیش رو داریم، گفتگوی کوتاهی با دکتر شهبازی می باشد که تقدیم خوانندگان گرامی می گردد.

## انگیزه و هدف شما از انتخاب ترویج و آموزش کشاورزی به عنوان رشته تحصیلی و زمینه فعالیت چه بود؟

از دوران کودکی که ماه های تابستان را در باغ خانوادگی می گذرانیم، همواره می دیدم که برخی از محصولات سردرختی باغ های بعضی از همسایه ها از محصول باغ های دیگران بیشتر و یا بهتر بود. با این پیش زمینه ها، همواره می اندیشیدم که برای پرورش درختان میوه راه و روش های بهتری هم وجود دارد، که بعضی از باغبان ها به آن ها آگاهی دارند و بعضی دیگر - مثل ما به آنها آگاهی ندارند. در مورد دامداران هم می شنیدم که برای اصلاح نژاد و کیفیت دام خود چه سختی هایی را متحمل می شوند.

با این نوع پیش زمینه ها، در دوران تحصیل در اول دبیرستان و با معلوماتی که تدریجا از دروس علوم طبیعی کسب می کردم، هر روز بیشتر و بیشتر می فهمیدم که در پس کارهای کشاورزی می باید علم و تجربه نهفته باشد. پس باید به دنبال کسب علم و تجربه کشاورزی علمی رفت، چنین بود که مصمم به تحصیل در رشته کشاورزی شدم. ولی با توجه به اینکه در دوران کودکی پدرم را از دست داده بودم و اوضاع اقتصادی خانواده ام مانند اکثریت قریب به اتفاق مردم شهرستان نهاوند متوسط بود اجازه این بلند پروازی را به من نمی داد تا برای تحصیل در رشته کشاورزی به شهر

دیگری بروم.

خوشبختانه در همین دوران بود که به همت وزارت فرهنگ (وزارت آموزش و پرورش وقت) به منظور تربیت آموزگار برای مدارس روستائی، برنامه تأسیس دانشسراهای کشاورزی در مراکز برخی از استان ها و نیز در کانون های تولید کشاورزی و از جمله در منطقه ورامین، راه اندازی شده و خداوند خواست که اسباب تحقق اراده

این بنده خود را چنین فراهم کند تا پس از شرکت در آزمون سراسری برای ورود به دانشسرای کشاورزی ورامین (مامازن)، که امروزه با عنوان دانشگاه ابوریحان، از

زیرمجموعه های دانشگاه تهران شناخته می شود، پذیرفته شوم. با آغاز به تحصیل علمی و عملی در این دانشسرا از شهریورماه ۱۳۳۳، زیربنای ادامه تحصیل و اشتغال در فعالیت های کشاورزی برای آینده اینجانب پی ریزی شد که پس از ۵۷ سال، شکر خدا به امروز رسیده است.



به نظر شما چرا علی رغم وجود تعداد زیاد کارشناسان کشاورزی، سرعت حرکت و پیشرفت کشاورزی ما بسیار کند می باشد؟

برای تولید محصولات کشاورزی، برخورداری از منابع پایه تولید به خودی خود لازم ولی کافی نمی باشند. چرا که عمده ترین منابع و عوامل تولید، اعم از انسانی و طبیعی و سرمایه ای را به مقدار لازم و کافی داریم و تا حدود زیادی، بی اثر و بدون استفاده باقی مانده اند. وجود این وضعیت و مواجهه جامعه با این شرایط از نظر اینجانب ناشی از عدم اتکالی اقتصاد و امنیت ملی به توسعه کشاورزی و منابع طبیعی پایه تولید در کشاورزی است که باعث شده کشورمان از برنامه های راهبردی

لازم برای توسعه پایدار و شکوفایی بخش کشاورزی و منابع طبیعی محروم باشد. و بدین ترتیب عدم وجود برنامه و ضعف مدیریت راهبردی، نتیجه ای جز این به دست نداده است که هزاران جوان تحصیل کرده و آماده کسب مهارت های عملی و میلیون ها کشاورز روستایی و دامدار عشایری مجرب و مستعد کسب آموزش های مکمل ترویجی، نتوانند برای به زیرکشت درآوردن میلیون ها هکتار اراضی مستعد کشت و احیای میلیون ها هکتار مراتع مخروبه دست به کار شوند. در حالی که نیل به این هدف ها شدنی و مستلزم عزم سیاستگذاران و برنامه ریزان و مدیران رده عالی و تراز بالای کشور است.

**علی رغم گذشت چندین سال از ادغام جهادسازندگی و وزارت کشاورزی، چرا موازی کاری در این وزارتخانه و به ویژه بخش ترویج کماکان ادامه دارد؟**

اینجانب آرزومند بودم که امروز موازی کاری در انجام فعالیت های آموزشی ترویج وجود می داشت. چرا که در آن صورت، رقابتی وجود می داشت و کاری جدی و پایدار و هرچند تکراری برای توده های روستایی و کشاورزان محروم انجام می شد و گرهی از امور آنان گشوده می شد. و حال آن که چنین نیست و به نظر می رسد که امروزه ترویج و ترویجیان را در دفاتر کار خود و گاهی هم در پشت دستگاه های کامپیوتر زمین گیر کرده و مانع ده گردشی پایدار آنان شده اند!

پیش از دهه هشتاد، یعنی قبل از ادغام وزارتخانه های جهادسازندگی و وزارت کشاورزی، بخش ترویج در هر دو وزارتخانه، در رقابتی جانانه برای بقای نفس، در جهت کمک به توانمندسازی اقشار روستایی و مولدان بخش کشاورزی کوشا بودند و به رغم همه

مشکلات سال های جنگ تحمیلی و دوران سازندگی بعد از جنگ، زیربنای موثری را پی ریزی و نتایج به نسبت درخشانی را هم از خود به جای گذاشتند. در آن سال ها، مثل همیشه تاریخ، در بین سیاستگذاران و برنامه ریزان و مدیران ارشد برنامه های توسعه، کم و بیش این اعتقاد وجود داشت که با آموزش می توان نیروهای انسانی بالقوه را مبدل به سرمایه های انسانی بالفعل کرد و بدین سان، به رونق زندگی در روستاها و توسعه و شکوفایی بخش کشاورزی کمک کرد. ولی امروزه،

هر چه از سال های عمر ادغام این دو وزارتخانه می گذرد این مهم کمتر مورد توجه قرار می گیرد.

**مناسب ترین الگو، الگوی بومی «ترویج جهادی» است که آمیزه ی تکامل یافته ای از نظام های بومی ترویج در سال های پیش و پس از انقلاب اسلامی در ایران است**

**جهت ارتباط بیشتر تحقیقات کشاورزی و ترویج، چه برنامه و**

**راهکارهایی پیشنهاد می کنید؟**

وزارت جهادکشاورزی، به تناسب مسؤولیت ها و شرح وظایف و با توجه به وجود ساختارهای تشکیلاتی آموزش و ترویج در جوار خود، دارای یک ساختار تشکیلاتی برای انجام تحقیقات در زمینه های کشاورزی و منابع طبیعی است. در این راستا، امروزه سه ساختار تشکیلاتی تحقیقات و آموزش و ترویج را در سطح ستاد در زیر یک چتر مدیریتی ملاحظه می کنیم که روش درستی است.

ولی هر چه از ستاد مرکزی به سوی کانون های روستایی پیش می رویم، سه عنصر تشکیلاتی تحقیقات و آموزش و ترویج را به تدریج دور و دورتر و بالاخره در سطح روستا و در عرصه های تولیدی، عوامل انسانی تحقیق و آموزش و ترویج را جدا از هم می بینیم. راهکار مناسب این است که این عوامل در سطوح روستایی و عرصه های تولید باهم و زیر نظر یک مدیریت واحد، بطور هماهنگ همکاری نمایند.

تا آنگاه، این اصل، پایدار بماند که در وزارت جهاد کشاورزی، تحقیقات کشاورزی و منابع طبیعی انجام می شود تا پاسخ مسایل و مشکلات مبتلا به مولدان کشاورزی

و بهره برداران از منابع طبیعی پیدا شود و به صورت یافته های علمی و فناوری های نوین کاربردی و قابل نشر، در ابتدا توسط عوامل آموزشی در مراکز و آموزشگاه های کشاورزی و منابع طبیعی برای آموزش و ارتقاء

کیفیت کارگزاران ترویج و عوامل اجرایی به خدمت گرفته شود و سپس یافته های علمی و فناوری های تعریف و توصیف شده برای ترویج توسط مروجان به سطوح روستایی و عرصه های تولیدی انتقال داده شوند تا با استفاده از روش های مناسب آموزشی در بین ارباب رجوع، بهره بردار و گروه های هدف مخاطب برنامه های

**اصالت رسالت ترویج، در توانمندسازی توده های نیروی انسانی نهفته است که با تبدیل نیروی انسانی به سرمایه انسانی نمود پیدا می کند و منجر به ایجاد ارزش افزوده می گردد**



ترویج و علاقه‌مندان روستائی و عشایری منتشر گردند.

### آیا با تفکیک آموزش و تحقیقات کشاورزی و ترویج موافق هستید؟ به چه دلیل؟

مسئله موافق این تفکیک نیستم. چرا که سه عامل تحقیق و آموزش و ترویج (تات) در قالب تشکیلات ملی وزارت جهاد کشاورزی، برای کارکردن باهم خلق شده‌اند و از این رو، وجود منفرد و مجرد و یا منتزعه و مستقل هر یک به تنهایی، نقض فلسفه وجودی و در واقع، اتلاف نیروی انسانی و سرمایه و امکانات می‌باشد که برنامه‌های توسعه کشاورزی در طول زمان همواره با آن روبرو بوده است.

### کدام الگوی ترویجی رایج دنیا را جهت اجراء در کشور مناسب می‌دانید؟

اگر فلسفه وجودی دانشکده‌های کشاورزی منحصر به گسترش مرزهای علم و دانش نبود بلکه مسئولیت مستقیم، امکانات و تسهیلات لازم برای استقرار در مناطق روستایی و قطب‌های تولیدی کشاورزی را می‌داشت، در عمل و بطور قانونی سکاندار امور ترویج و توسعه کشاورزی کشور می‌شد، آنگاه رهیافت ترویج دانشگاهی، مناسب‌ترین رهیافت برای الگو برداری بود. حال که چنین نیست، مناسب‌ترین الگو، الگوی بومی «ترویج جهادی» است که آمیزه‌ی تکامل یافته‌ی از نظام‌های بومی ترویج در سال‌های پیش و پس از انقلاب اسلامی در ایران است.

### نظام دانشگاهی

کشور تا چه اندازه در رسیدن ترویج به جایگاه واقعی و کارآمدی خود موفق بوده است؟ نقش نظام دانشگاهی کشور در رسیدن ترویج به جایگاه واقعی و کارآمدی خود در سال‌های پیش از انقلاب را می‌توان در حدود ۱۰ و یا ۱۵ درصد ارزیابی نمود. اما نقش نظام دانشگاهی کشور در رسیدن ترویج به جایگاه واقعی و کارآمدی خود در سال‌های پس از انقلاب اسلامی را می‌توان به مراتب جدی‌تر و ماندگارتر ارزیابی کرد. بطوریکه برقراری درس عمومی ترویج کشاورزی برای تمام رشته‌های تحصیلی در دانشکده‌های کشاورزی، تأسیس رشته ترویج و آموزش کشاورزی در

مقطع کارشناسی در بسیاری از دانشکده‌های کشاورزی، تأسیس رشته ترویج و آموزش کشاورزی در مقاطع کارشناسی ارشد و دکتری در برخی از دانشکده‌های کشاورزی، کمک به تألیف و ترجمه و طبع و نشر کتب درسی و کمک درسی ترویج و آموزش کشاورزی، کمک به تشکیل انجمن ترویج و آموزش کشاورزی استادان و متخصصان و کارشناسان و انجمن‌های علمی ترویج و آموزش کشاورزی دانشجویان و راه‌اندازی برنامه‌های اعزام دانشجویان بورسیه ترویج و فرصت‌های مطالعاتی و غیره از جمله اقداماتی بوده‌اند که به تقویت مبانی علمی ترویج در ایران کمک فراوان کرده است. و بدین سان، اگر میزان توفیق ترویج در زمینه‌های علمی در ایران امروز را ۱۰۰ فرض کنیم، در مقام مقایسه ۱۵ درصد آن را می‌توان به تلاش‌های دانشگاهی در دوران پیش از انقلاب و ۸۵ درصد را به اقدامات پس از انقلاب به نظام دانشگاهی نسبت داد.

با توجه به تغییرات اقلیمی و خشکسالی سال‌های اخیر، نقش ترویج در گذر از این شرایط را چطور ارزیابی می‌کنید؟ یادآوری تجارب گذشته کشور در برخورد با بحران‌هایی چون حملات خانمان برانداز ملخ دریایی به مزارع و باغات و مراتع جنوب و غرب کشور، طغیان کرم ساقه‌خوار برنج و کرم غوزه پنبه در نواحی شمالی و شیوع طاعون گاوی در استان‌های شرقی کشور در دهه‌های ۳۰ و ۴۰ و نقش مؤثر و کارساز مروجان کشاورزی در بسیج نیروهای مردمی برای یادگیری و مقابله با این آفات و بلاها، روشن می‌سازد که اتفاقاً در برخورد با پدیده خشکسالی، ترویج و عوامل آموزشی آن است که می‌تواند مردم را برای مدیریت این بحران آموزش دهد و بسیج نماید. البته در حال حاضر تحقق این مأموریت برای کارکنان ترویج، مستلزم آموزش‌های تکمیلی برای آماده‌سازی این نیروها می‌باشد.

### چه راهکارهایی جهت ایجاد اشتغال پایدار و مفید برای دانش‌آموختگان کشاورزی به ویژه بخش ترویج دارید؟

در شرایط کنونی زمینه اجرای برنامه‌های توسعه کشاورزی در مناطق روستایی برای جلب و جذب سرمایه و نیروی انسانی فراهم نمی‌باشد. چرا که زیربنای توسعه



## ابتکارات و تجربیات خود در زمینه بومی سازی علم ترویج و آموزش کشاورزی را بیان فرمائید؟

در جریان بومی سازی فناوری های نوین در روستاها در نیم قرن پیش و در زمینه بومی سازی علم ترویج و آموزش کشاورزی اشاره به یک مورد از تجربه های مربوط به برنامه ریزی برای فعالیت های ترویجی در روستاها مفید به نظر می رسد. از ابتدای فعالیت های ترویج کشاورزی در ایران، امور خدمات آموزشی ترویج عمدتاً بر حسب ضرورت های فصلی - منطقه ای و در زمانهایی و بعضاً با توجه به پیش آمدهای روزانه در یک تقویم کار ماهیانه پیش بینی و در قالب امور پروژه ای به جریان اجراء گذاشته می شد. بدین سان که با توجه به دستورالعمل های تعیین شده توسط اداره ترویج استان مربوط و براساس خط مشی های کلی ستاد سازمان ترویج در تهران، پیش بینی امور لازم الاجراء و روش های آموزشی مورد استفاده در یک حوزه ترویجی و سهم مردم در ابراز نظر درباره آن ها تا حدود بسیار زیادی در اختیار مروج مربوط بود.

در حالی که ارزیابی ها و بعدها نیز، ارزشیابی های نتایج حاصل از فعالیت های انجام یافته منوط به بازدید و اظهار نظر کارشناسان و متخصصان موضوعی ترویج بود که پس از هر دیدار ماهیانه از هر حوزه

ترویجی، در دفتر ثبت گزارش بازدید منعکس می گردید. از اواخر دهه ۳۰، برابر خط مشی ستادی سازمان ترویج، انجام امور خدمات آموزشی ترویج منوط به پیش بینی سالیانه و دسته بندی آن ها در قالب پروژه، فعالیت و در قالب یک برنامه مستند سالیانه گردید. ولی این رویه هم دوام نیاورد و از اول دهه چهل، اصلاحات طوفان زای تقسیم اراضی، طومار شیوه اخیر برنامه ریزی ترویج را درنوردید و عملاً در سطح ملی، آموزش های اصیل ترویجی را به تعطیلی کشانید. البته این توفیق هم عاید گردید که در جریان پیگیری برای بومی کردن این علم در ایران، مسؤولیت های مربوط به برنامه نویسی و اقدام برای تصویب برنامه های دوره های کارشناسی و کارشناسی ارشد و دکتری رشته آموزش و ترویج کشاورزی و نیز، رشته کارشناسی ارشد توسعه روستایی را هم در گروه کشاورزی ستاد انقلاب فرهنگی، شورای عالی انقلاب فرهنگی و شورای عالی برنامه ریزی آموزش عالی کشور در دهه های ۶۰ و ۷۰ بر عهده داشته باشم. از خدا می خواهم تا به این بنده خود توان بدهد که تا واپسین نفس، مروج و مبلغ مکتب آموزشی ترویج برای توانمندسازی و سعادت اقشار روستایی و عشایری و دیگر اقشار محروم جامعه باشم.

کشاورزی ناقص، کمیاب و یا وجود ندارند و به عبارت ساده تر، فقدان برنامه های توسعه و عمران و آبادانی روستاها به روشنی احساس می شود. در ارتباط با این موضوع، عدم وجود یک نهاد، ارگان و یا دستگاه جامع نگر و قانونی برای طرح و اجرای برنامه های توسعه و عمران و آبادانی در روستاها به شدت احساس می شود. و دردناک تر این که، هر یک از دستگاه ها بطور عرفی و قانونی مسؤول برای انجام برخی از وظایف خود در روستاها، فارغ از هرگونه هماهنگی و مشاوره با دیگر دستگاه های مسؤول و مستقر در روستاها، رأساً به انجام امور ویژه خود می پردازند.

بطور مثال یکی از ارگان های دولتی اقدام به راه اندازی شبکه زهکشی می کند و ارگان دیگر کار تسطیح و تجهیز اراضی را برعهده می گیرد و دیگری می خواهد شبکه برق روستا را ترمیم کند و این عدم هماهنگی ارگان ها مشکل ساز می گردد.

از این رو، توصیه و تاکید می گردد که یک دستگاه همه جانبه نگر قانونی برای توسعه و عمران و آبادانی روستاها تعیین گردد تا

بتوان در مقام هماهنگی و همکاری برنامه های توسعه کشاورزی و عمران و آبادانی روستاها پیش برد و آنچنان رونق و امنیتی به روستا و نواحی روستائی بخشید که از جذابیت لازم برای کارآفرینان و سرمایه گذاران و داوطلبان اشتغال، اعم از دانش آموختگان کشاورزی و به ویژه دانش آموختگان ترویجی برخوردار گردد.

شما به عنوان یکی از پیشکسوتان ترویج، مهم ترین خلاء های ترویج را در چه و کدام سطح می دانید و چه راه حل هایی را برای رفع آن ها پیشنهاد می کنید؟

در حال حاضر، مهم ترین خلاء ترویج، نبود قانون برای پایداری نظام ترویج در بخش کشاورزی ایران است. تجربیات چندین ساله نشان داده است که در غیاب این چنین قانونی، وزرا و مدیران تراز اول وزارتخانه و دیگر نهادها و ارگان های ذیربط همواره نسبت به ضرورت آموزش مولدان روستایی و بهره برداران منابع طبیعی سلیقه ای و گاهی هم غیرتخصصی و سلیقه ای عمل می نمایند. در صورتی که وجود یک نظام ترویجی قوی و پایدار به عنوان حلقه ضروری و راهبردی پیوند و تعامل نظام های آموزش و تحقیقات با مولدان روستائی و بهره برداران منابع طبیعی حیاتی است. برای رفع این خلاء، ناگزیر از تهیه و تدوین و تصویب قانونی هماهنگ با قانون تحقیقات کشاورزی و منابع طبیعی (مصوب سال ۱۳۵۳) و قانون آموزش کشاورزی (مصوب سال ۱۳۵۴) در مجلس شورای اسلامی هستیم.